

دکتر سید جعفر سجادی

رئیس گروه عربی دانشگاه تهران

کیفیت نزول قرآن

«۶»

تفسیر فقهی

از زمان حضرت رسول اکرم تا مذاهب فقهی یعنی شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی و حضرت صادق الائمه مسائل فقهی بطور ساده ازنس روایات و بیشتر آیات قرآن استفاده شده مورد عمل قرار میگرفت. در طول تاریخ حوادث و وقایعی پیش آمده و در برخورد با ملل دیگر و مکاتب فلسفی و دینی احساس شد که باید مسائل فقهی بصورتی مدون و مضبوط گردد و هر یک از فرق مذهبی سعی کردند باستناد آیات و اخبار مسائل مورد نیاز مسلمانان را بصورت مدون در آورند و بدین جهت مانند ابوالحسن طبری، متوفی ۵۰۴ هجری کتابی بنام احکام القرآن تدوین کرد و همچنین شهاب الدین ابوالعباس احمد بن یوسف بن محمد الحلبی متوفی ۷۵۶. کتابی بنام «القول الوجیزی احکام کتاب العزیز» و همچنین جلال الدین سیوطی و فاضل مقداد از شیعه اثنا عشریه کتابی بنام «کنز الفرقان فی فقه القرآن»، و کتابی دیگر بنام «زبدۃ البیان فی احکام القرآن» تدوین کردند.

و بسیاری دیگر از پیروان مذهب حنفی و مالکی، مانند الجوامع لاحکام القرآن تألیف امی عبدالله قرطبی مالکی.

در طول زمان افکار و عقایدی دیگر در جهت بیان و تفسیر قرآن رسوخ کرد و آن افکار علمی و فلسفی بود و در این مورد نیز تفاسیری از قدیم الزمان نوشته شد و مانند غزالی کسانی پیدا شدند که آیات قرآنی را با توسل به علوم توجیه و تفسیر کردند .

غزالی از ابن مسعود روایت کند که گفت « من اراد علم الاولین و الاخرین فليتب القرآن » وی در کتاب جواهر القرآن که پس از احیاء العلوم نوشته است علوم قرآنی را به شعبی تقسیم کرده است مانند علم اللغه و نحو و قراءات ، مخارج حروف ، تفسیر ، کلام ، فقه ، اصول فقه ، مبدعه و معاد . سیر و سلوک و بالآخره علم طب و نجوم ، هیئت ، تشریح ، سحر ، کهان ، طلسمات و جز آنها را مستند به قرآن می داند .

و همین طور جلال الدین سیوطی این روش را برگزیده است وی در کتاب اتقان گوید :

قرآن مشتمل بر همه علوم است و استناد کرده است به آیه « ما فرطنا فی الكتاب من شیئی » و آیه « و نزلنا علیک الكتاب تبیناً لکل شیئی »

و نیز استناد بر روایت نبوی کند که فرمود در کتاب خدا تمام خیرهای ما قبل و ما بعد موجود است .

و همین طور آیه « لا تطیبوا لباس الاقی » کتاب مبین « و نیز در روایت دیگر آمده است که « انزل فی القرآن کل علم و بین لنافیه کل شیئی (۱) » .

وی از قول ابوالفضل مرسی نقل کرده است که هر کس و اهل حرفتی مطابق فن و دانش خود از قرآن بهره بر گرفته است .

بدین طریق که خداوندان نحو از لحاظ شواهد نحوی و اصول مبنی و مررب و افعال و حروف و اسماء و جز آن استفاده کرده اند .
و خداوندان تفسیر از جهت الفاظ و دلالت آنها بر معانی و الفاظی که
بهرت بر يك معنی و الفاظی که دلالت بر دو معنی و یا زیادتر دارد و جز آن
بحث کرده اند .

و اهل اصول و کلام از ادلة قطعی توحید ، وجود خدا و قدم و قدرت
و علم او بحث کرده اند . و اهل معانی و بیان از معانی خطابات ، عمومات ،
خصوصات ، حقیقت و مجاز ، با تخصیص . اضمار ، نس ، ظاهر ، مجمل ،
محکم ، منشا به ، امر ، نهی ، نسخ و غیره بحث کرده اند . و بحث از
استصحاب حال ، استقراء و قیاس کرده اند که این قسمت را اصول نامیده اند .
دسته دیگر از حلال و حرام و سایر احکام بحث کرده ، اصولی وضع
کرده اند و فروعی از آن اصول به دست آورده اند که علم فروع نامیده اند .

دسته دیگر بحث از حکم و امثال و قصص و مواظ آن کرده و تقابلی
مانند وعد و وعید و تحذیر و تبشیر و ذکر مرگ و معاد و نشر و حشر و
حساب و عقاب و بهمت و جهنم و جز آن بحث کرده اند که اینان را خطیبان
و وعاظ نامیده اند .

بسی دیگر از آن اصول تمبیر خوابها بدست آورده اند به استناد آنچه
در قصه یوسف آمده است در باب گاوهای چاق که گاوهای لاغر را بخوردند
و خوابی که در باب سجده همه یازده ستاره به خود کشید کردند بدید و تمبیر
آنها از بند خود یعقوب بخواست .

دسته دیگر احکام و قواعد مواریث و خداوندان سهام ارث را از آن
استخراج کردند .

مردمی دیگر احکام نجوم را از آیاتی که دلالت بر شب و روز ، ماه و خورشید و منازل آنها می‌کنند که می‌فرمایند: « والشمس والقمربحسبان ، و یا والشمس تجری لمستقر لها ذلك تقدیر المیز العظیم ، و احکام و تعداد برجه‌ها و جز آنها را به دست آورده‌اند .

ادب‌ها و شعراء از موجز بودن الفاظ و بدیع بودن نظم و نیکو بودن سیاق عبارات و مبادی و مقاطع و ایجاز و الطناب و جز آنها بهره‌ها بر - گرفتند و دانش بیان و بدیع را پایه‌ریزی کردند .

اهل عرفان و زهاد از کلمات و الفاظ و آیات موجود در قرآن که مبین حالات روحی و توجه به مبدأ و اعراض از دنیا و بهره‌های آن می‌باشد استفاده کردند و اصطلاحاتی مانند : فنا ، بقاء ، حضور ، خوف ، هیبت ، انس ، وحشت ، قبض ، بسط و جز آنها را استخراج کردند .

اینها علومی است که مسلمانان از قرآن استخراج کرده‌اند .

و بازگوید علاوه بر اینها قرآن حاوی علوم دیگر است که آنها به نام علوم اادال خوانده شده است مانند : طب ، جدل ، هیئت ، هندسه ، جبر و مقابله نجوم و جز آنها .

در باب طب و حفظ الصحة در قرآن فرموده است . در شراب مختلف الوانه و فيه شفاء للناس . و علاوه بر طب اجساد که در قرآن بدان اشارت شده است طب روحانی و قلوب نیز از قرآن به دست می‌آید .

در باب هیئت باید گفت که آیاتی چند در قرآن آمده است مانند :

« والقمر عاد کالمرجون القديم » و « واذ الشمس کورت واذ النجوم انکدرت » و غیر ذلك .

در باب هندسه آیه هست که فرماید : « انطلقوا الی ظل ذی ثلاث شعب لا ظلیل ولا یغنی من اللمب » که اشاره به این معنی است که شکل مثلث را سایه ای نباشد .

در باب جبل و مناظره گفته اند آیاتی زیاد در این مورد در قرآن وجود دارد . چنان که در سوره واقعه چندین آیه در این باره آمده است . مانند : « افرأیت النار الی توردون اأتم انشأتم شجرتها ام نحن المنشئون » و « افرأیت الماء الذی تشربون ه اتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون » و آیه دیگر که فرماید : « ان المیزدین كانوا اخوان الشیاطین وكان الشیطان لربه کفوراً » .

در باب نجوم آیاتی آمده است که گذشت و در باب صنایع دیگر آیاتی مانند : « واصنع الفلک باعیننا و « ولا تكونوا کالتی نقضت فرلها » و « افرأیتم ماتحرون » و جز آنها آمده است .

و بالاخره هر کس مطابق ذوق و استعداد و فن خود از آیات قرآن بهره گرفته است . البته در این مورد ایرادات و نقضهایی شده است از جمله ابو اسحق ابراهیم بن موسی الشاطبی اندلسی متوفی ۷۹۰ هـ در کتاب «المواقفات» خود سخت بدین نوع فکر حمله کرده است و گوید اگر نامی از اینگونه علوم و اصطلاحات در قرآن آمده است از این جهت است که اعراب بدوی باینگونه مطالب توجه داشته و نجوم و هیئت و جز آنها مابین آنان معمول بوده است و الا اساس کار قرآن اخلاقیات و احکام عبادی و معاملات و اجتماعیات است .